

## واژگان درس اول کتاب زبان دهم - صفحه ۱

a few	تعداد کمی	creation	خلق، آفرینش	however	هرچند، اگرچه
a lot	زیاد	danger	خطر	human	انسان، بشری
add	افزودن	destroy	ویران کردن	hunt	شکار کردن
affirmative	مثبت، تایید آمیز	die out	منقرض شدن	hunter	شکارچی
Africa	آفریقا	divide	تقسیم کردن	hurt	صدمه دیدن، آسیب
air	هوا	duck	آردک، مرغابی	idea	ایده، نظر
alive	زنده	easy	آسان	identify	شناسایی کردن
amazing	شگفت انگیز	endangered	در معرض خطر	increase	افزایش یافتن، افزایش
among	در بین چند چیز	enjoy	لذت بردن، بهره مند شدن	injured	زخمی، آسیب دیده
anymore	دیگر	enough	کافی	instead	به جای، در عوض
appropriate	مناسب، شایسته	especially	مخصوصاً	intonation	آهنگ کلام
around	دوروبر، اطراف	exam	آزمون، امتحان	knowledge	دانش، آگاهی
Asian	آسیایی	expression	بیان، اصطلاح	lake	دریاچه
average	متوسط، میانگین	falling	آفتان	learn about	آگاهی یافتن، مطلع شدن
baby	کودک، نوزاد	farmer	کشاورز	leave	ترک کردن
based on	بر اساس، مبتنی بر	find	یافتن	leopard	پلنگ
bear	خرس	following	زیر، ذیل	lifespan	طول عمر
building	ساختمان	forest	جنگل	living thing	موجود زنده
call	نامیدن، خبر کردن	future	آینده	longer	طولانی تر، بیش تر
check	کنترل کردن	gazelle	غزال	lose	از دست دادن، گم کردن
cheetah	یوز پلنگ	goat	بُر	match	تطبیق دادن
circle	دایره	heaven	آسمان، بهشت	mean	معنی دادن، منظور داشتن
common	عام، مشترک	hope	امید وار بودن	mountain	کوه
consider	در نظر گرفتن	hopeful	امیدوار	movie	فیلم
conversation	مکالمه	hopefully	امیدوارانه، خوشبختانه	museum	موزه

## واژگان درس اول کتاب زبان دهم - صفحه ۲

natural home	زیستگاه طبیعی	put out	خاموش کردن (آتش)	travel	سفر کردن
nature	طبیعت	really	واقعاً	trip	سفر کردن، گردش
near	نزدیک	recently	اخیراً	type	نوع
negative	منفی	relative	خویشاوند، نسبی	unscramble	مرتب کردن کلمات در هم
North	شمال	report	گزارش، گزارش کردن	variation	تنوع، گوناگونی
noun marker	نشانگر اسم	right	درست، راست	verily	حقیقتاً، به راستی
only	فقط، صرفاً	rising	خیزان	village	روستا، دهکده
orally	به طور شفاهی	road	جاده	visitor	ملاقات کننده
pain	درد، رنج	rule	قاعده، دستور	voluntary	داوطلبانه
pair up	دو به دو شدن	safe	امن، بی خطر	weather	آب و هوا
part	بخش، قسمت	save	نجات دادن	weekend	آخر هفته
pattern	الگو، طرح	schedule	برنامه، جدول	West	غرب
pay attention	توجه کردن	second	دومین	whale	نهنگ
Persian Gulf	خلیج فارس	sign	علامت، نشان	whenever	هر وقت
pilot	خلبان	simple	ساده	wife	زن (همسر)
plain	دشت، هامون	singular	مفرد	wild	وحشی
plan	طرح، برنامه داشتن	sit down	نشستن	wildlife	حیات وحش
plant	گیاه	strategy	راهبرد، ساز و کار	wolf	گرگ
plural	جمع	take care of	مراقبت کردن از	wonderful	شگفت انگیز، جالب
power	قدرت، توان	take photo	عکس انداختن	zebra	گورخر
program	برنامه	think about	فکر کردن در باره ی	zookeeper	نگهبان باغ وحش
pronunciation	تلفظ	tiger	ببر		
proper	خاص، شایسته	together	با همدیگر		
protect	محافظت کردن	tourist	گردشگر		
protection	محافظت	tower	برج		